

## فهرست (پایه دوم)

سؤال	درسنامه	
۱۱	۱۰	ستایش: ای بی نشان
۱۷	۱۲	درس یکم: مبانی تحلیل متن
۳۱	۲۸	درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی
۳۷	۳۵	درس سوم: واج آرایی (نغمهٔ حروف)، واژه آرایی (تکرار)
۵۱	۴۸	درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیهٔ هجری
۵۸	۵۴	درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام
۶۷	۶۵	درس ششم: سجع و انواع آن
۸۰	۷۵	درس هفتم: سبک و سبک شناسی (سبک خراسانی)
۹۱	۸۸	درس هشتم: وزن شعر فارسی
۹۹	۹۷	درس نهم: موازنه و ترصیع
۱۱۱	۱۰۷	درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن
۱۲۲	۱۱۷	درس یازدهم: قافیه
۱۴۱	۱۳۹	درس دوازدهم: جناس و انواع آن

۱۵۴

نیایش: به امید تو

۵۶۶

پاسخ‌های تشریحی

سؤال

درسنامه

۱۶۱

۱۵۷

درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن های هفتم، هشتم و نهم

۱۶۹

۱۶۷

درس دوم: پایه های آوایی

۱۷۶

۱۷۳

درس سوم: تشبیه

۱۹۴

۱۹۱

درس چهارم: سبک شناسی قرن های ۷ و ۸ و ۹ (سبک عراقی)

۲۰۵

۲۰۲

درس پنجم: پایه های آوایی همسان (۱)

۲۱۵

۲۱۳

درس ششم: مجاز

۲۲۷

۲۲۵

درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن های دهم و یازدهم

۲۳۲

۲۳۰

درس هشتم: پایه های آوایی همسان (۲)

۲۴۳

۲۴۰

درس نهم: استعاره

۲۵۸

۲۵۴

درس دهم: سبک شناسی قرن های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

۲۷۸

۲۷۵

درس یازدهم: پایه های آوایی همسان دولختی

۲۹۷

۲۹۶

درس دوازدهم: کنایه

## فهرست (پایه دوازدهم)

### سؤال

### درسنامه

۳۲۷

۳۲۶

ستایش: دریای لطف

۳۳۲

۳۲۸

درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)

۳۴۴

۳۴۱

درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان

۳۵۶

۳۵۳

درس سوم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

۳۷۲

۳۶۸

درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)

۳۸۳

۳۸۰

درس پنجم: اختیارات شاعری (۱): زبانی

۴۰۰

۳۹۸

درس ششم: لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

۴۲۳

۴۱۷

درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)

۴۳۶

۴۳۳

درس هشتم: اختیارات شاعری (۲): وزنی

۴۵۸

۴۵۴

درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب

۴۷۹

۴۷۴

درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی

۴۸۶

۴۸۴

درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی

۴۹۷

۴۹۳

درس دوازدهم: حسن تعلیل، حس آمیزی و اسلوب معادله

۵۱۹

نیایش

۵۲۱

پیوست (سؤالات ترکیبی آرایه‌های ادبی)

۶۶۲

پاسخ‌های تشریحی

پایہ محم

# ستایش

## ای بی نشان

■ غایب از نظر بودن و عظمت خداوند / فراگیر بودن وجود خداوند / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

■ تجلّی خداوند در همه جا / غایب از نظر بودن خداوند / عجز در شناخت / فراگیر بودن وجود خداوند / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

■ ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند  
عظمت خداوند

■ آمیخته بودن خداوند با روان بنده جویای حق / ناتوانی انسان در درک و شناخت خداوند

■ ناپیدایی خداوند در عین آشکار بودن نشانه‌های وجود او

■ ای بی نشان محض، نشان از که جویمت؟  
گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟

■ تو گم نه ای و گم شده تو منم، ولیک  
نیافت یافت می نتوان از که جویمت؟

■ پیدا بسی بجستمت، اما نیافتم  
اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟

■ چون در رهت یقین و کمانی همی رود  
ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟

■ در جست و جوی تو دلم از پرده اوفتاد  
ای در درون پرده جان، از که جویمت؟

■ «عطار» اگر چه یافت به عین یقین تو را  
ای بس عیان، به عین عیان از که جویمت؟

سر نخ را داده ایم دست خود خدا. همه چیز را سپرده ایم به خودش. اوست که من و تو را آورده و راه می‌بزد و تا آخر، همراهی می‌کند. دلت را بسیار دست خودش، چند سطر ابتدای کتاب، بهانه‌ای است برای ستایش ذات بی‌همتای خداوند بلند، بزرگ، بخشنده، بی‌مانند، بهترین. ابتدا به بیت‌ها و مفاهیمشان نگاهی می‌اندازیم و بعد می‌رویم سراغ سؤال‌ها ... ترس ... دست را به ما بده، سر نخ را بگیر و بیا!

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

قراره لابه‌لای سؤالا، به چند کلمه حرف بزیم باهم تا قضیه، خوب دستت بیاد. این نوشته‌ها قراره درباره‌ی حال و هوای کتاب، تستا و نکته‌هاشون بگن. به وقتا هم، بهونه‌ای‌ین تا به کم از خودمون بگیم، بیشتر آشنا بشیم با هم! ببینیم چند چندیم اصلاً! واقعاً اومدی کار کنی یا نه؟!

توی بخش «ستایش» همین که مفهوم بیتا رو بدونی کافیه. حواست باشه! نوی کنکور باید به چن تا سؤال قرابت هم جواب بدی که از بیتای درسا انتخاب میشن. واسه همین، کلی سؤال قرابت ناب و درجه یک از بیتا و عبارتای کتابای علوم و فنون طرح کردیم. از همین‌جا به مفهوم بیتا توجه کردیم تا ااا آخر دوازدهم. خب، بسم!...

**۱** کدام گزینه با بیت «پیدا بسی بچسبتم، اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟» ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) ز راه حکمت و رحمت عموم اشیا را  
(۲) به دست احمد مرسل به کافران قریش  
(۳) کمال لم یزل (=باقی) وذات لایزالی (=ابدی) اوی  
(۴) درازدستی ادراک و تیزگامی وهم
- طریق کسب کمالات خاص بنموده‌ست  
هزار معجزه رنگ‌رنگ بنموده‌ست  
ز هرچه نسبت نقصان بود برآوده‌ست  
طناب نوبتی حضرتش نیموده‌ست

**۲** کدام گزینه با بیت «پیدا بسی بچسبتم، اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟» تناسب معنایی دارد؟

- (۱) جز وصف و ذکر تو نکندم زآن‌که خوش‌تر است  
(۲) عقل و وهم کی سنجد اوج کبریایش را؟  
(۳) عارفی کز هر دو عالم بگذرد  
(۴) روزی تو بازننگ‌رود ز در
- وصفت ز هر حکایت و ذکر ز هر سخن  
جان و دل چه‌سان گوید مدحت و ثنایش را؟  
بهر در یکتای بی‌همتا شود  
کار خدا کن، غم روزی مخور

**۳** کدام گزینه با بیت «چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود / ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟» متناسب است؟

- (۱) و صوف او روح در زبسان آرد  
(۲) به هر وصف که می‌گویم نه آنی  
(۳) بی لعل لب‌ت وصف شکر می‌توان کرد  
(۴) وصف جمال رویت می‌گویم و نگوید
- یساد او آب در دهسان آرد  
که تو برتر ز وصف و داستانی  
بی عکس رخت فهم قمر می‌توان کرد  
کس وصف حال خسرو شیرین‌تر از «نظامی»

**۴** مفهوم کدام گزینه با بیت زیر متناسب‌تر است؟

- «چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود  
(۱) یوسف از قحط خریدار دل خود می‌خورد  
(۲) چشم از آن حسن جهان‌گیر چه ادراک کند؟  
(۳) سر خورشید در این راه به خاک افتاده است  
(۴) جلوه بی‌هده ضایع مکن ای باغ بهشت
- ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟  
حسن مغرور تو می‌داشت اگر پروایی  
در حبایی چه قدر جلوه کند دریایی؟  
که به افتادگی سایه کند پروایی  
که من از گوشه دل یافت‌هام مأوایی

**۵** ابیات کدام گزینه با یک‌دیگر تناسب معنایی بیشتری دارند؟

- (الف) رحمت آرید بر آن مرغ سحرخوان چمن  
(ب) کسی را در این بزم ساغر دهند  
(ج) تو گم نه‌ای و گم‌شده‌ی تو منم، ولیک  
(د) هرچه در وصف تو گویند و کنند اندیشه  
(ه) ولیکن خداوند بالا و پست
- کاو بماند ز گل و طرف گلستان محروم  
که داروی بی‌هوشی‌اش دردهند  
نیافت یافت می‌توان، از که جویمت؟  
آن همه دون حق توست و تو برتر زانی  
به عصیان در رزق بر کس نیست

## سرنخ

در کتاب درسی با مفهوم «متن» و شیوه‌های بررسی متون ادبی از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر آشنا شدی و یاد گرفتی که در بررسی و تحلیل متن‌ها باید پنج مرحله را مورد توجه قرار دهی؛ ابتدا «خوانش»، سپس «شناسایی و استخراج نکات زبانی»، بعد «شناسایی و استخراج نکات ادبی» و پس از آن «شناسایی و استخراج نکات فکری» و در پایان «نتیجه‌گیری و تعیین نوع». شیوه تحلیل دو متن را هم بررسی کردی. اولی بخشی از «الهی‌نامه عطار» به عنوان نمونه شعر و دیگری بخشی از «کلیله و دمنه» به عنوان نمونه نثر. ابتدا به خلاصه درس نگاهی بینداز و بعد برو سراغ تست‌ها ...

## تحلیل متون ادبی

آثار ادبی را از دیدگاه‌های مختلفی می‌شود تحلیل و بررسی کرد؛ دیدگاه‌هایی از قبیل نگاه «جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی و ادبی». یکی از بهترین روش‌های تحلیل، بررسی متن (اعم از شعر یا نثر) از سه دیدگاه زبان (ویژگی‌های زبانی)، ادبیات (ویژگی‌های ادبی) و فکر (ویژگی‌های فکری) است. به هر کدام از زمینه‌های تحلیل متن، اصطلاحاً یک «قلمرو» گفته می‌شود؛ بنابراین، تحلیل متن شامل سه قلمروی «زبانی، ادبی و فکری» است. ابتدا نگاهی می‌اندازیم به موضوعات این سه قلمرو و بعد می‌رویم سراغ مراحل تحلیل متن.

۱ **قلمروی زبانی:** ویژگی‌های زبانی یک اثر ادبی ممکن است با اثر ادبی دیگر، متفاوت باشد. گاهی، اثر، دارای زبانی «ساده و همه‌فهم» است، اما گاهی فهمیدن زبان اثر به خاطر وجود بعضی کلمه‌ها و اصطلاحات خاص، به دقت بیشتری نیاز دارد. بررسی زبانی آثار را می‌شود از دو دیدگاه و اصطلاحاً در دو «سطح» انجام داد: سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی)

۲ **قلمروی ادبی:** بررسی ادبی آثار را می‌شود در سه «سطح» انجام داد: سطح آوایی (موسیقایی)، بیانی، بدیع معنوی

۳ **قلمروی فکری:** بررسی متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و جنبه‌های فکری دیگر، با هدف تعیین «رنگ و بوی فکری» و «حال و هوای مفهومی» غالب بر متن.

## ۲ مراحل تحلیل متون ادبی

برای تحلیل و بررسی متن ادبی، باید پنج موضوع یا مرحله را به ترتیب مورد توجه قرار دهیم:

۱- خوانش ۲- استخراج نکات زبانی ۳- استخراج نکات ادبی ۴- استخراج نکات فکری ۵- تعیین نوع در ادامه یک نمونه شعر و یک نمونه نثر را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا راهگشای شیوه کارمان در درس‌های آینده باشد.

## الف) تحلیل و بررسی نمونه شعر

در این بخش شعری از عطار نیشابوری را با هم می‌خوانیم و در پنج مرحله «کالبدشکافی» می‌کنیم.

### ۱ خوانش شعر

ابتدا به خواندن و درک معنی تحت‌اللفظی ابیات می‌پردازیم در ضمن باید توجه داشته باشیم که لحن این شعر «روایی - داستانی» است.

معنی و بازنویسی	متن
روباهی وقت سپیده‌دم در دام گرفتار شد / و با حيله گری فکر کرد تا راه [فراری] پیدا کند.	به دام افتاد روباهی سحرگاه به روبه‌بازی اندیشید در راه
[با خودش گفت] اگر شکارچی مرا در چنین وضعی ببیند / فوراً [مرا] می‌کشد و [پوستم] را [می‌کند] و به دباغ می‌دهد.	که گر صیاد ببیند هم‌چنینم دهد حالی به‌گازر پوستینم

پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشتن را ز بیم جان، فروافکنند تن را	به این دلیل، همان موقع، خودش را به مُردن زد / و از ترس کشته شدن، خودش را روی زمین انداخت.
چو صیّاد آمد، او را مرده پنداشت نمی‌یارسست روبه را کم انگاشت	وقتی شکارچی [به سراغ او] آمد، تصوّر کرد او مُرده است / [با این حال] نمی‌توانست [از روباه صرف‌نظر کند و] روباه را بی‌ارزش بداند.
ز بُن بُبُرید حالی گوش او لیک که گوش او به کار آید مرا نیک	فوراً گوش او را از بیخ برید / [و با خود گفت] که خیلی به دردم خواهد خورد.
به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر چو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر	روباه با خودش گفت: غصّه نخور! / همین که زنده مانده‌ای [کافی‌ست]. فرض کن یک گوش نداشته‌ای!
یکی دیگر بیامد، گفت: این دم زبان او به کار آید مرا هم	فرد دیگری رسید و گفت: حالا / زبانش هم به درد من می‌خورد.
زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه نکرد از بیم جان، یک ناله روباه	آن مرد یک‌دفعه زبان روباه را برید. / [اتنا] روباه از ترس جانش، حتّی ناله‌ای هم نکرد! (یک «آخ» هم نگفت!)
دگر کس گفت: ما را از همه چیز به کار آید همی دندان او نیز	شخص دیگری گفت: از بین همه اعضای روباه، دندانش هم به درد من می‌خورد.
نزد دم، تا که آهن درفکندند به سختی چند دندانش بکنندند	[روباه باز هم] حرفی نزد [و واکنشی نشان نداد] تا این که ابزار آهنی [کشیدن دندان] را [در دهانش] قرار دادند و با زحمت چند تا [از] دندان [هایش] را کشیدند.
به دل، روباه گفتا: گر بمانم نه دندان باش و نه گوش و زبانی	روباه با خودش گفت: اگر [قرار است] زنده بمانم (زنده ماندنم وابسته به واکنش نشان ندادن است) / [بگذار] دندان و گوش و زبان نداشته باشم!
دگر کس آمد و گفت: اختیار است دل روبه، که زنجی را به کار است	فرد دیگری آمد و گفت: من [از بین همه اعضایش] دل روباه را می‌خواهم که [مطمئنّاً یک روز] در درد و مریضی به کار [م] می‌آید.
چو نام دل شنید از دور، روباه جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه	همین که روباه، از آن فاصله، نام «دل» را شنید (فهمید که قصد برداشتن دل او را دارند) / در آن لحظه، دنیا پیش چشمش تیره و تار شد.
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حيله سازی	به خودش گفت: [از دست دادن] «دل» را نمی‌توان موضوع ساده‌ای در نظر گرفت (شوخی‌بردار نیست). / حالا [دیگر] باید چاره‌ای برای خودم پیدا کنم.
بگفت این و به صد دستان و تزویر بجست از دام، هم چون از کمان، تیر	این را [با خود] گفت و با مکر و حيله بسیار / مانند تیری [که] از کمان [رها شده باشد]. از دام بیرون پرید.
حدیث دل، حدیثی بس شگفت است که در عالم، حدیثش درگرفته <sup>۱</sup> است	قضیهٔ «دل»، موضوعی بسیار حیرت‌آور است. / و به همین دلیل، آوازهٔ [ارزشمندی] دل، در جهان، پیچیده است.

## ۱ شناسایی و استخراج نکات زبانی<sup>۲</sup>

### سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی)

<ul style="list-style-type: none"> <li>کم بودن واژه‌های غیرفارسی (در شعر، تنها ۷ واژهٔ عربی به کار رفته، که همان‌ها هم، از واژه‌های پرکاربرد در زبان فارسی‌اند (یا دست کم در زمان شاعر، پرکاربرد بوده‌اند)). صیّاد، حال، اختیار، حيله، تزویر، حدیث، عالم</li> <li>کاربرد واژه‌های کهن: گازر (دبّاغ)، نمی‌یارسست (نمی‌توانست)، دستان (حيله)، حالی (فوراً)، بس (بسیار)</li> <li>کاربرد «چو» در معنی «هنگامی که»: چو صیّاد آمد / چو نام دل شنید</li> <li>کاربرد «به» در معنی «در»: کنون باید به کارم حيله سازی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کاربرد «به» در معنی «با»: به صد دستان و تزویر بجست از دام</li> <li>کاربرد شبکهٔ معنایی با واژه‌ها: حيله، دستان، تزویر، دام / دل، زبان، گوش، دندان</li> <li>سادگی و روانی زبان شعر</li> <li>سادگی و کوتاهی جمله‌ها: به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندیشید در راه</li> <li>جابه‌جایی اجزای جمله و جهش ضمیر: که گر صیّاد <b>بیند هم چینی</b>م / چو نام <b>دل شنید از دور، روباه</b></li> <li>حذف فعل به قرینه: نه دندان باش و نه گوش و زبانی [باش].</li> </ul>
--	--

۱- واژهٔ دوم در واقع «گرفته» است. شاعر با تکیه بر شیوهٔ نوشتاری رایج در زمان خود - که گاهی «ه» را از پایان صفت مفعولی حذف می‌کردند و بن ماضی را به فعل «است» می‌چسبانند، یعنی به صورت «شگفتست و گرفتست» - خود را مجاز به قافیه گرفتن آن دوتا دانسته است.

۲- در بررسی «زبانی»، در هر دو سطح، در تحلیل همهٔ ابیات تا پایان کتاب، هنگام معرفی و ویژگی (مثلاً «حذف فعل به قرینهٔ لفظی») تنها یک تا چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. روشن است که همهٔ نمونه‌ها ممکن است بیش از این‌ها باشد. سعی شده تا جایی که کتاب درسی به چیزی تصریح کرده، آن عبارات را ذکر کنیم و تنها در صورت لزوم قدری لحن بیان را ساده‌تر کنیم.



<ul style="list-style-type: none"> <li>● ترکیب‌سازی: روبه‌بازی، حیل‌سازی</li> <li>● کاربردهای تاریخی دستور: نمی‌بارست ... کم انگاشت، به کار آید همی، مرده کرد</li> <li>● به کار بردن فعل پیشوندی: فزافکنندن، درفکنندن</li> <li>● استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: ز بُن ببریَد حالی گوش او</li> <li>● به کار بردن «الف» در پایان فعل «گفتا»: به دل، روباه گفتا: گر بمانم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● به کار بردن صفت مبهم «دگر» در جایگاه وابسته پیشین: دگر کس گفت / دگر کس آمد</li> <li>● به کار بردن «نیک» در معنی قیدی: که گوش او به کار آید مرا نیک</li> <li>● به کار بردن «را» در معنی حرف اضافه: زبان او به کار آید مرا / گوش او به کار آید مرا</li> </ul>
--	--

## ۲ شناسایی و استخراج نکات ادبی

الف) سطح آوایی (موسیقایی)	
<ul style="list-style-type: none"> <li>● قالب شعری: مثنوی (به دلیل قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع از یک بیت)</li> <li>● وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (U - - - U / - - - U)</li> <li>● قافیه‌ها: سحرگاه و راه / هم‌چنینم و پوستینم / خویشتن و تن / پنداشت و انگاشت / لیک و نیک / غم و کم / دم و هم / ناگاه و روباه / چیز و نیز / درفکنندن و بکنندن / اختیار و کار / روباه و آن‌گاه / بازی و حیل‌سازی / تزویر و</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تیر / شگفت و گرفت</li> <li>● ردیف: در بیت‌های ۳ (را)، ۶ (گیر)، ۱۲ (است) و ۱۶ (است)</li> <li>● جناس: لیک، نیک (بیت ۵) / غم، کم (بیت ۶) / چیز، نیز (بیت ۹)</li> <li>● واج‌آرایی: تکرار صامت «ه» (بیت ۱)</li> <li>● تکرار: گوش (بیت ۵)، دل (بیت ۱۴)، حدیث (بیت ۱۶)</li> </ul>
ب) سطح بیانی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>● تشبیه: جستن روباه از دام به جستن تیر از کمان (بیت ۱۵)</li> <li>● استعاره: جان‌بخشی به روباه تشخیص و استعاره است.</li> <li>● مجاز: آهن مجاز از ابزار آهنی (بیت ۱۰) / عالم مجاز از موجودات عالم (بیت ۱۶)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● کنایه: ترک غم گرفتن (بیت ۶)، دم زدن (بیت ۱۰)، جهان بر چشم، تیره شدن (بیت ۱۳)</li> </ul>
ج) سطح بدیع معنوی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>● مراعات نظیر (شبکه معنایی): دل، گوش (بیت ۶) / دل، دندان، گوش، زبان (بیت ۱۱) / دل، چشم (بیت ۱۳) / کمان، تیر (بیت ۱۵) / دستان، تزویر (بیت ۱۵)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تضاد: جان، تن (بیت ۳)</li> </ul>

## ۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

با مقایسه کردن اعضای بدن (گوش، زبان و دندان) با «دل» و برتر دانستن دل از همه اعضا، به این نکته پی‌می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی بسیار باارزش می‌داند، آن‌جا که می‌گوید: «با دل نیست بازی» و در بیت پایانی، نتیجه‌ای عرفانی می‌گیرد. شعر، با وجود ظاهر ساده و داستان، پایان‌بندی و نتیجه‌گیری‌اش، طوری‌ست که نشان می‌دهد شاعر با ظرافت تمام، یک نکته عمیق «معرفتی<sup>۱</sup>» درباره ارزش و جایگاه دل را در قالب داستان «روبه و شکارچی» گنجانده تا بگوید ارزشمندی دل، به این دلیل است که دل، جایگاه خداوند است. روی هم، شعر، ظاهری «ساده، محسوس و عینی» دارد، اما نتیجه‌گیری پایانی، «ذهنی و معنوی» است.

## ۴ نتیجه‌گیری و تعیین نوع<sup>۲</sup>

با توجه به این که مضمون شعر، «تعلیم» دادن یک موضوع مهم، مربوط به فضای «حکمت» و «معرفت» (عرفان) است، این شعر را می‌توانیم در دسته ادبیات «تعلیمی - عرفانی» جا بدهیم.

## ت (ب) تحلیل و بررسی نمونه‌شعر

در این‌جا هم مانند تحلیل شعر با ۵ مرحله «خوانش، استخراج نکات زبانی، استخراج نکات ادبی، استخراج نکات فکری و تعیین نوع» روبه‌رویم که در ادامه با بررسی نمونه‌ای از کتاب کلیل و دمنه به آن خواهیم پرداخت.

## ۱ خوانش متن

ابتدا برای کشف لحن و آهنگ، یک نگاه کلی به متن می‌اندازیم و بعد از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، متن را «دقیق» می‌خوانیم. این متن، لحنی روایی - داستانی دارد و مناسب است هنگام خواندن آن، لحنی صمیمانه با آهنگی نرم و ملایم را برای پندآموزی و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب انتخاب کنیم.

۱- این اصطلاح را کتاب استفاده کرده. منظور «عرفانی» است.

۲- قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی مربوط به یونان باستان است. آن‌ها اشعار را برحسب محتوا در چهار نوع «حماسی»، «غنائی»، «نمایشی» و «تعلیمی» طبقه‌بندی می‌کردند.

معنی و بازنویسی	متن
وقتی دانستم که انسان ارزشمندترین آفریده‌هاست و [با این حال] ارزش روزهای زندگی‌اش را نمی‌داند، متعجب شدم و خوب که دقت کردم، فهمیدم که مانع این [قدرشناسی]، [بسنده کردن به] آسایش کم و [برآورده کردن] نیازهای بی‌ارزش است که انسان‌ها گرفتار آن شده‌اند.	چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلیق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.
هر کس به مشغله‌های دنیوی سرگرم شود و از [فراهم کردن زمینه‌های] نیک‌بختی [اش] در جهان آخرت غافل بماند، [شرایطش] مانند [قضیه] آن کسی است که [داشت] از معرض [حملة] شتر مست فرار می‌کرد و ناچار، خود را در چاهی آویزان کرد و دو عدد شاخه‌ای را که بالای آن روییده بود، گرفت و پاهایش در محلی ثابت شد.	هرکه به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم‌چون آن مرد است که از پیش‌آشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زده که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.
در این شرایط، دقیق‌تر نگاه کرد و [متوجه شد] که هر دو پای او روی سر چهار مار قرار دارند که سر خود را از سوراخ [های دیواره چاه] بیرون آورده بودند. [سپس] به ته چاه نگاه کرد. مار بزرگ ترسانی را مشاهده کرد که دهانش را باز کرده و منتظر افتادن او بود.	در این میان، بهتر بنگریست. هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند. ازدهایی سهمناک دید، دهان گشاده، و افتادن او را انتظار می‌کرد.
[بعد] به بالای چاه نگاه کرد [و متوجه شد] که موش‌های سیاه و سفید، پی‌درپی ریشه آن شاخه‌ها را قطع می‌کردند و او در این میان، چاره‌جویی می‌کرد و برای رهایی خودش به دنبال راهی می‌گشت.	به سر چاه التفات نمود. موشان سیاه و سفید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست.
[یک‌دفعه] روبه‌روی خود یک کندوی زنبور و مقداری [عسل] دید. قدری از آن عسل چشید. طوری شیفته شیرینی آن شد که وضعیت خودش [در چاه] را فراموش کرد و متوجه نبود که پایش روی سر چهار مار است، در حالی که نمی‌شد حدس زد که چه زمانی واکنش نشان می‌دهند [و نیش می‌زنند] و [از طرفی هم] موش‌ها با جدّیت بسیار مشغول بریدن شاخه‌ها بودند و ... ، تا جایی که [سرانجام] شاخه شکست و آن درمانده طمع کار در دهان مار بزرگ افتاد.	پیش‌خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند و ... ؛ چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.
[با این مثال در حقیقت] من جهان را به آن چاه پرخطر تشبیه کرد[ه]ام و موش‌های سفید و سیاه و پی‌گیری آنان در قطع کردن شاخه‌ها را به شب و روز [مانند کرده‌ام] و آن چهار مار را به سرشت‌های چهارگانه تشبیه کرده‌ام که ستون آفرینش انسان است و هر وقت یکی از آن‌ها بجنبند [و بر سایر طبع‌ها غلبه پیدا کند]، مانند زهر کشنده است؛	پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها، بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هر گاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد؛
و چشیدن شهد و شیرینی‌اش را با لذت‌های دنیایی مشابه دانستم که سودش کم و زیانش بسیار است و [با غافل کردن انسان از واقعیت‌ها] رهایی را برای انسان غیرممکن می‌کند و منظورم از ازدها [هم، مرگ] و [بازگشتی است که در ازای آن هیچ تدبیری نمی‌شود به کار بست و به یقین باید به آن تن داد و آن وقت [دیگر] پشیمانی فایده‌ای ندارد و امکان برگشتن [به دنیا و جبران] فراهم نیست.	و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.

## ۲ شناسایی و استخراج نکات زبانی

### سطح واژگانی و دستوری (نحوی)

<ul style="list-style-type: none"> <li>● جدانویسی نشانه نفی فعل «ن»: نه‌اندیشید (به جای «نیندیشید»)</li> <li>● کاربرد فعل «گسستن» به صورت ناگذر<sup>۱</sup> و در معنی «بریده شدن، شکستن»</li> <li>● کاربرد «ب» در ابتدای فعل ماضی: بگسست، بنگریست</li> <li>● کاربرد مصدر مرخّم: نتوان دانست، نتواند بود</li> <li>● حذف فعل به قرینه: پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز [مانند کردم] و آن چهار مار را به طبایع [مانند کردم].</li> <li>● کاربرد «را» به معنی «برای»: خلاص خود را طریقی می‌جست.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● کاربرد واژه‌های کهنی که امروزه، شکل دیگری دارند: آشتر، شاخ، بنگریست</li> <li>● کاربرد واژه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیر انسان</li> <li>● کاربرد واژه «شهد» در معنی «عسل»</li> <li>● بیشتر جمله‌ها کوتاه و قابل فهم هستند.</li> <li>● جمع بستن واژه «موش» با نشانه جمع «ان»</li> <li>● کاربرد واژه مرکب «زنبورخانه» به معنی «کندوی زنبور»</li> <li>● به کاربردن صفت برتر (تفضیلی) در معنی صفت برترین (عالی): شریف‌ترین خلیق</li> <li>● کاربرد واژه «نیک» در جایگاه قیدی: چون نیک بنگریستم (نیک: بسیار)</li> </ul>
---	--

۱- منظور از «ناگذر»، این‌جا کاربرد «گسستن» در معنایی است که نیازی به مفعول نداشته باشد: گسسته شدن. فعل «گسستن» در معنایی که مفعول لازم دارد - و اصطلاحاً به آن «گذرا» گفته می‌شود - به معنی «بریدن و پاره کردن و شکاندن» است. کتاب درسی متأسفانه با حذف این‌طور مطالب اساسی و مهم، پایه‌های دستور زبان و درک نقش واژه‌ها را به طور کلی نابود کرده است.

## ۲ شناسایی و استخراج نکات ادبی

### الف) سطح آوایی (موسیقایی)

● سجع: هرکه به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم چون آن مرد است که از پیش آشنتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت. / هر گاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد.

### ب) سطح بیانی

### ج) سطح بدیع معنوی

- مراعات نظیر: زنبور خانه، شهید، حلاوت
- تضاد: سیاه و سفید / پا و سر / سر و قعر / زهر و شیرینی / زهر و شهد / رنج و لذت / اندک و بسیار
- تمثیل: استفاده از امکان مثال آوردن برای بیان مفهوم غفلت

## ۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

- نگاه حکایت، تعلیمی است. نویسنده برای بیان منظور خود (صرف کردن عمر در راه سعادت در جهان آخرت) به این موارد اشاره می‌کند:
- ارزشمندتر بودن انسان در میان همه آفریده‌ها، گران بها بودن لحظات عمر، توصیه به هشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
  - این حکایت از یک طرف به ارزش حقیقی انسان اشاره دارد و از طرف دیگر نسبت به لذت‌های زودگذر، نگاه منفی دارد.

## ۴ نتیجه‌گیری و تعیین نوع

متن خواننده را دعوت می‌کند به این‌که:

نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد؛ قدر لحظه‌لحظه عمر خویش را بداند؛ هشیاری خویش را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که از هدف والای زندگی غافل بماند؛ و این‌که: خوش‌بختی حقیقی در کسب خشنودی خداوند است. با توجه به مطالب گفته شده و تأکید «درون‌مایه» این متن، آن را باید نمونه‌ای از متون «تعلیمی» به شمار آورد.

## مفاهیم نموندهای محمد دس

مفهوم	نمونه
دعوت به پویایی و تلاش مداوم / توصیه به خطر کردن و نکوهش عافیت‌طلبی	به دین ما حرام آمد کرانه همه دریاست ما را آشیانه
توکل موجب کام‌روایی است.	خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدهش
قناعت و خرسندی به داشته‌ها	جبهه واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدهش
توصیه به خاموشی و سنجیده‌گویی	بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدهش
تقدیرگرایی / صبر کلید کام‌یابی است.	دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش
خاکساری موجب کمال است. / توصیه به تواضع	از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش
اهمیت «شیوه بیان» سخن و توجه به نوع مخاطب و شرایط و موقعیت	خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.
تربیت‌پذیری / اهمیت گوش‌مالی در تربیت!	بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

حالا وقتش رسیده بریم سراغ سوالاتی درس، اول چندتا سؤال خاص و ظریف درباره شکل درست خواندن!

۶ نوع «خوانش» هنگام پایان یافتن مصراع اول، در کدام گزینه متفاوت است؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱) در شهر اگر تو شاهد شیرین گذر کنی<br/>         ۲) بیاکه ساقی ما مجلس خوشی آراست<br/>         ۳) وقت ما را میرای خواجه به بیهوده سخن<br/>         ۴) بودم ز مهرش دزهای بودم ز بحرش قطره‌ای</p> | <p>۷ از میان ابیات زیر، چند بیت را باید به گونه‌ای خواند که نشان بدهد سخن شاعر، در مصراع نخست تمام نشده است؟</p> <p>الف) به دام افتاد روباه‌هی سحرگاه<br/>         ب) زبانش را بُرید آن مرد ناگاه<br/>         ج) به دل، روباه گفتا گر بمانم<br/>         د) چو نام دل شنید از دور روباه<br/>         ه) به دل می‌گفت با دل نیست بازی<br/>         و) بگفت این و به صد دستان و تزویر</p> |
|--|--|

و انتخاب لحن ...

۸ لحن شاعر در کدام رباعی متفاوت است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>هر چند که هست جرم و عصیان ما را<br/>         محتاج به غیر خود مگردان ما را<br/>         و بی تو غمی خوردم از آن غم توبه<br/>         گر بهتر از آن توان از آن هم توبه!<br/>         و اندر صف اهل زهد غیر افتادی<br/>         صد شکر که عاقبت به خیر افتادی<br/>         رحمان و رحیم و راحم و ستاری<br/>         این بنده شرمند فرونگذاری</p> | <p>۱) یارب مکن از لطف پریشان ما را<br/>         ذات تو غنی بوده و ما محتاجیم<br/>         ۲) از هر چه نه از بهر تو کردم توبه<br/>         و آن نیز که بعد از این تو کنم<br/>         ۳) ای دل که ز مدرسه به دیر افتادی<br/>         الحمد که کار را رساندی تو به جای<br/>         ۴) یارب یارب کریمی و غفاری<br/>         خواهم که به رحمت خداوندی خویش</p> |
|---|---|

کم کم میریم سراغ نکات زبانی

۹ در کدام گزینه «یارست» متفاوت است؟

- |   |   |
|---|---|
| <p>گر حدیثی هست با یارست و با اغیار نیست<br/>         که یارست با وی نبرد آزمود<br/>         ز خوبان جز تو در عالم همی درمان جان ای جان<br/>         از آن می‌نگنجد در آن کیمن کس</p> | <p>۱) ما زبان اندر کشیدیم از حدیث خلق و روی<br/>         ۲) که گویند از ایران سواری نبود<br/>         ۳) تو را یارست بس در جان ز بهر آن که نشناسد<br/>         ۴) دلم خانۀ مهر یارست و بس</p> |
|---|---|

۱۰ وجود بعضی از واژگان، در همه ابیات، یادآور نقد شعر عطار در کتاب درسی است؛ به جز:

- |  |  |
|--|--|
| <p>زنند جامۀ ناپاک گازران بر سنگ<br/>         جوی زر بهتر از پنجاه من زور<br/>         برون زین نیارم زدن خود دمی<br/>         یکی سوی شهوت یکی سوی آز</p> | <p>۱) تو پاک باش و مدار ای برادر از کس پاک<br/>         ۲) چه خوش گفت آن تهی دست سلحشور<br/>         ۳) بیاموزم این کودکان را همی<br/>         ۴) دو سوراخ چون روبه حيله ساز</p> |
|--|--|

(اختصاصی انسانی نوبت اول ۱۴۰۲)

۱- در این سؤال، عمداً و به طور هدفمند، برخلاف شیوه نوشتاری رایج خودمان، نوشتار کتاب درسی و کنکور را که اساساً هیچ شیوه درست یا دست کم یکسانی در کار خودشان ندارند، مورد نظر قرار دادیم؛ مثلاً گردآورنده کتاب درسی و یا طراح کنکور، عبارت «یارست» (به معنی «یار است») را به همین صورت، از روی دیوان شعر یا فابل و نرم افزار، رونویسی می‌کند؛ در حالی که در کتاب حاضر و همه یادداشت‌های به قلم نویسندگان این کتاب، چنین چیزی مطابق با نوشتار درست در فارسی امروز، به صورت «یار است» نوشته می‌شود. هدف از طرح این سؤال، این است که بگوییم رسم الخط نادرست کتاب درسی و کنکور، خودش از عوامل ایجاد شباهت‌های «غلط‌انداز» - از جمله بین یارست (یار است) و یارست (از مصدر «یارستن») - می‌شود. به این موضوع توجه کن!

این‌جا، سوالاتی مهمی اومدن درباره کاربرد و معنای مختلف کلمه‌ها توی شرایط مختلف. ببین:

**۱۱** در کدام گزینه کاربرد واژه «قاتل» متفاوت است؟

- ۱) سهل بود آن که به شمشیر عتابم می‌کشت
- ۲) به خونم گر بیالاید دو دست نازنین شاید
- ۳) زهر نزدیک خردمندان اگرچه قاتل است
- ۴) مرا به عاشقی و دوست را به معشوقی

قتل صاحب‌نظر آن است که قاتل برود  
نه قتل خوش همی‌آید که دست و پنجه قاتل  
چون ز دست دوست می‌گیری شفای عاجل است  
چه نسبت است؟ بگویند: قاتل و مقتول

**۱۲** معنی فعل «گسستن» در کدام گزینه با عبارت «چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان اژدها افتاد.» یکسان است؟

- ۱) حریر سبز به تن بود، پیش از این ما را
- ۲) چرا رشته هسستم را گسست
- ۳) تا صبا شیرازه زلفش ز یکدیگر گسست
- ۴) تو را کرد آرزوی وصل، خرسند

چه شد که جامه گسست و سیاه شد پیکر  
چرا ساقه‌ام را ز گلبن شکست  
دفتر دل‌ها پریشان است گویی نیست هست  
مرا هجران گسست از هم، رگ و بند

**۱۳** کاربرد فعل «گسستن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گریه خونین من، رشته گوه‌ر گسست
- ۲) کارم بیست چون که ننگشایی
- ۳) رحمت بر آب دیده که چندان که راندمش
- ۴) قفس تنگ چرخ و طبع و حواس

خنده شیرین تو، حقه مرجان شکست  
جانم گسست چون که نیبوندی  
دستم ز آستین و ز دامن، نمی‌گسست  
پر و بالست گسست از بن و بار

**۱۴** در همه گزینه‌ها «کاربردهای کهن واژگانی» دیده می‌شود که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار می‌روند، به جز .....

- ۱) هر آن سیما که نقاش آن نگارد
- ۲) به پالیز چون برکشد سرو شاخ
- ۳) زرگر ز من ستاند و بر او خیره بنگریست
- ۴) آن نه سال سربلند و استوار

نشان دارد ولیکن جان ندارد  
سرو شاخ سبزش برآید ز کاخ  
وان‌گه به خنده گفت که این سنگ‌ریزه چیست؟  
مسلم صحرا بی‌اشترسوار

**۱۵** در کدام گزینه «را» در معنی حرف اضافه به کار نرفته است؟

- ۱) عشق را گفت پادشایی کن
- ۲) دیدن روی تو را دیده‌ام جان‌بین باید
- ۳) گر نباشد امید دیدن تو
- ۴) رعیت را و لشکر را درم داد

طبع را گفت کدخدایی کن  
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است  
دیده خویش را ز سر بکنم  
بسی سالار را کوس و غلم داد

**۱۶** در کدام گزینه نوع «را» تفاوت دارد؟

- ۱) باید ز سر این غرور را رانند
- ۲) مگر کان چراغ آشنایی دهد
- ۳) به سیندخت فرمود پس نامدار
- ۴) جان را سپر تیر قضا باید کرد

باید ز دل این غبار را رفتن  
من تیره را روشنایی دهد  
که رودابه را خیز پیش من آر  
دل را هدف تیر بلا باید کرد

**۱۷** کاربرد «را» در عبارت «خلاص خود را طریقی می‌جست.» با کاربرد آن در کدام گزینه یکسان نیست؟

- ۱) چه سود این رنج دیدن چون منی را؟
- ۲) گرچه کس را نمی‌شود حاصل
- ۳) چه سود از جستن و گردن کشیدن
- ۴) نیک‌نامی را چنانی چون زمین را گلستان

که انده من این نادان نداند  
لذت شکر از شکر دیدن  
چمن را از شکاف و رخنه دیدن  
پادشاهی را چنانی چون گلستان را بهار

و کمی متفاوت‌تر

**۱۸** در متن زیر کدام «ویژگی زبانی» دیده نمی‌شود؟

«اما ای پسر هشیار باش و به جوانی غره مشو، اندر طاعت و معصیت، به هر حال که باشی از خدای عزوجل یاد همی‌کن و آمرزش همی‌خواه و از مرگ همی‌ترس، تا چون درزی ناگاه در کوزه نیفتی، با بار گناهان بسیار.»

۲) مقدم شدن فعل نسبت به بخش‌هایی از جمله

۱) کاربرد «همی» در ساخت فعل مضارع اخباری

۴) تضاد میان دو واژه «طاعت و معصیت»

۳) کاربرد حرف اضافه «اندر»

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۹)

۱۹ همه گزیندها بیانگر «ویژگی‌های زبانی» ابیات زیر است، به جز .....

- «آس شدم زیبر آس‌یای زمانه  
زاد همی سواز و شغل خویش همی‌پز  
(۱) کاربرد شبکه معنایی تناسب  
(۳) کمی واژگان غیرفارسی و وجود واژگان کهن

۲۰ با توجه به عبارت «شاهزاده‌ای معلم فرزند خویش را گفت: قبل از کتابت وی را شنا آموز؛ چه کسی را باید که به جایش بنویسد، اما کسی را نباید که به جایش

شنا کند.» خوانش کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) شاهزاده‌ای، معلم فرزند خویش را گفت.  
(۳) چه کسی را باید که به جایش بنویسد؟

## چنانچه سؤال هم درباره روابط واژگان

۲۱ در کدام بیت میان واژه‌های مشخص شده رابطه معنایی «تضمن» وجود ندارد؟

- (۱) لعل روید به جای لاله ز خاک  
(۲) ثواب روزه و حج قبول آن کس برد  
(۳) سحر می‌گفت خاکستر صبا را  
(۴) مرد حلوانی نظر کردش به زر

۲۲ واژگان مشخص شده در همه گزیندها رابطه «تضمن» دارند، به جز .....

- (۱) در غم و شادی ایام مرا حال یکی است  
(۲) آن چه زین نظم در شمار آمد  
(۳) در این سیلاب غم کز ما پدر برد  
(۴) سبزه گشته چون زمرد رنگ تو

## حالا به سؤال نکته دارتر!

۲۳ واژگان مشخص شده در کدام گزینه رابطه «تضمن» دارند؟

- (۱) نسیم باد صبا جان من فدای تو باد  
(۲) گل و خار است پایت را در این ره هرچه پیش آید  
(۳) شیرینی و حلاوت شعرم غریب نیست  
(۴) قوم تو از رنگ و خون بالاتر است

بیا گرم خبری زان نگار خواهی داد  
هم از گل پا برون آور هم از پا خار بیرون کن  
کز شکر لعل توست دهن پرشکر مرا  
قیمت یک اسودش صد احمر است

گیج نشو! برای تشخیص روابط واژه‌ها حتماً بیتا رو بخون و معنی شون کن! خب معلومه که «صبا» با «باد» (فعل دعایی) و «شیرینی» با «شکر» رابطه تضمن نداره!

۲۴ در میان واژگان کدام گزینه رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) گر از سلطان طمع کردم خطا بود  
(۲) هرکه می‌آمد آفرین می‌گفت  
(۳) شکر در کام من تلخ است بی دیدار شیرینش  
(۴) که شنیدی که در این بزم دمی خوش بنشست

حواس به تلفظ (می‌رفت)، توی گزینه (۲) بود؟

۲۵ در واژگان کدام بیت رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) چو هامون دشمنانت پست بادند  
(۲) ای دل به سر مویی آزاد نخواهی شد  
(۳) در عالم امکان دل عارف نگشاید  
(۴) هر درد را که بینی درمان و چاره‌ای هست

چو گردون دوستان والا همه سال  
مویی شدی اندر غم، هم شاد نخواهی شد  
یوسف چه قدر جلوه کند در ته چاهی؟  
درمان درد «سعدی» با دوست سازگاری

## ۲۶ رابطهٔ درج‌شده در برابر واژگان مشخص‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) اگرچه ماه به ده دست روی خود شوید
  - ۲) چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ
  - ۳) جان‌ها چو سیلابی روان تا ساحل دریای جان
  - ۴) که در بوستانش همیشه گل است
- چه زهره دارد کان چهره را غلام بود: تناسب  
پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ: تضاد  
از آشنایان منقطع با بحر گشته آشنا: ترادف  
به کوه اندرون لاله و سنبل است: تضامن

بازم می‌گیم حواستو جمع کن، بیتارو بخون. گزینهٔ (۱) «زهره» بود، نه «زهره».

## حالا نوبت نکات ادبیه. اول از قافیه‌بندی و قالب شعر می‌پرسیم و بعد می‌ریم سراغ آرایه‌ها!

## ۲۷ کدام بیت از شعری در قالب «مثنوی» انتخاب شده است؟

- ۱) دوست نباشد به حقیقت که او
  - ۲) اگر کوتاهی پای چوبین میند
  - ۳) عاقلان از بلا بیرهیزند
  - ۴) ای گل خوش‌بوی من یاد کنی بعد از این
- دوست فراموش کند در بلا  
که در چشم طفلان نمایی بلند  
مذهب عاشقان دگر باشد  
«سعدی» بیچاره بود بلبل خوش‌گوی من

## ۲۸ اگر بیت‌های زیر، هر کدام، از میانهٔ یک شعر انتخاب شده باشند، کدام گزینه در قالب شعری «مثنوی» سروده شده است؟

- ۱) عاشقی گر زین سر و گر زان سر است
  - ۲) بتنا نامسلمانای ای می‌کنسی
  - ۳) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن
  - ۴) ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت
- عاقبت ما را بدان سر رهبر است  
که در کافرستان نباشد روا!  
به امید آن که روزی به کف اوفتد وصالی  
با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت

## اون «میانه» رو توی صورت سؤال دیدی؟ نکته‌ش همونه خب! دقت نمی‌کنی، این طوری می‌شه!

## حالا نوبت آرایه‌ها س ...

## ۲۹ در همهٔ بیت‌ها آرایهٔ «تشبیه» وجود دارد، به جز .....

- ۱) سخن بگویی از آن پسته شکرافشان شو
  - ۲) نرگس مسست تو خواب‌آلوده‌ست
  - ۳) دلم را باغ و بستان خوش نمی‌آید مگر وقتی
  - ۴) دو چشم من همی یاقوت و مروارید از آن بارد
- که قوت طوطی روحم کلام توست ای دوست!  
لب لعل تو شراب‌آلوده‌ست  
که جامی در میان آرند و سروی در کنار آید  
که چون یاقوت لب داری و مرواریدندانی

## ۳۰ در همهٔ گزینه‌ها آرایهٔ «تشبیه» وجود دارد، به جز .....

- ۱) روزم شب است بی تو و چون روز روشن است
  - ۲) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
  - ۳) بر روی چون مه ار چه بتابی کمند زلف
  - ۴) گفتم مگر به خواب توان دیدنت ولیک
- کان لحظه شب بود که نهان باشد آفتاب  
کاو هم‌چو بندگان دهدت بوسه بر جناب  
باری به هیچ روی ز من روی بر متاب  
دانم که خواب را نتوان دید جز به خواب

## ۳۱ کدام گزینه آراسته به آرایهٔ «تشبیه» نیست؟

- ۱) تا بود بر دیگران وصلت حلال
  - ۲) مرا چو زندگی از یاد روی چون مه توست
  - ۳) دور از رخ تو دم به دم از گوشهٔ چشمم
  - ۴) شاخ شمشاد است یا سرو سهی یا نارون
- بر من آسایش حرام است، ای صنم  
همیشه سجده‌گهم آستان خرگه توست  
سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت  
یا صنوبر یا بلای خلق یا بالای دوست؟

## ۳۲ در کدام گزینه آرایهٔ «تشبیه» بیشتر به کار رفته است؟

- ۱) آرزوی آتش غم بایدت پروانه‌سان
  - ۲) گمانی چون برم چون کس نبرده است
  - ۳) ای زلف تو کمندی ابروی تو کمانی
  - ۴) از مس وجود خود دمی بیرون آی
- هم‌چو شمع بزم ما شب تا سحر بیدار باش  
نشانی چون دهم چون بی‌نشان است  
وی قامت تو سروری وی روی تو بهاری  
تا راه بری به کیمیایی که می‌پرس

هرجا «چون» دیدی نگو تشبیه داریم! به معنی «چون» توجه کن ... حالا بریم سراغ آرایه‌های تشخیص و کنایه:

**۳۳** در همه گزینیه‌ها آرایه «تشخیص» به کار رفته است، به جز .....

- ۱) اگر به دست من افتد فراق را بکشم
- ۲) ای صبا! یاری نما، اشک نیاز من ببین
- ۳) ای نوگل خندان چرا خون در دل ما می‌کنی؟! (۴)
- ۴) کس چو «حافظ» نگشود از رخ اندیشه نقاب

**۳۴** در کدام گزینه «تشخیص» به کار نرفته است؟

- ۱) برگریه من ساغر می‌گرم بگیرد
- ۲) حلاوت سخنش کام را کند شیرین
- ۳) خیز چون پرده ز رخسار گل افکند صبا
- ۴) مه ز شرم جمال او هر ماه

**۳۵** در کدام گزینه آرایه «تشخیص» به کار نرفته است؟

- ۱) می‌کند گل، حسن شوخ از پرده شرم و حیا
- ۲) ای ردا از دوش من بردار دست التفات
- ۳) عشق حیران، خود چه می‌داند عتاب و لطف چیست؟
- ۴) بر فقیران مرگ آسان‌تر بود از اغنیا

**۳۶** در کدام گزینه، آرایه «کنایه» وجود ندارد؟

- ۱) عاقلان خوشه‌چین از سر لیلی غافل‌اند
- ۲) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود
- ۳) منافق‌اند و ریایی جمیع اهل بشر
- ۴) تار و پود هستی‌ام بر باد رفت، اما نرفت

**۳۷** در همه گزینیه‌ها آرایه «کنایه» به کار رفته است، به جز .....

- ۱) دست هجر تو دهانم را دوخت
- ۲) زان دست شستم از خود تا دست من توگیری
- ۳) گسر صورت خویش‌تن ببینی
- ۴) بوی زلفت پا فشرده و دل ز دست من گرفت

نوبت رسید به آرایه‌هایی مثل مراعات و تضاد و ایهام:

**۳۸** در کدام گزینه، آرایه «مراعات نظیر» وجود ندارد؟

- ۱) بتان چین و ترک و روم و بربر
- ۲) به دست و پای مادر اندرافتاد
- ۳) هر آن گاهی که بر درگاه باشم
- ۴) مرا رخسار او ماه است و خورشید

**۳۹** آرایه «مراعات نظیر» در کدام گزینه بیشتر به چشم می‌آید؟

- ۱) جراحت‌ها بسی دارم من از مژگان فتاننش
- ۲) هوای آن دو زلف عنبرین و چشم خمّارش
- ۳) بر او جان عرضه کردن نیست آلا عین درویشی
- ۴) خدایا چون تو دانی کاو ستم بر خلق نپسندد

**۴۰** در همه گزینیه‌ها آرایه «تضاد» به کار رفته است، به جز .....

- ۱) امیید وصال اگر نبودی
- ۲) به سر رسید شب و داستان به سر نرسید
- ۳) مگر به روشنی این چراغ ربّانی
- ۴) چون ظلمت و نور عکس زلف و رخ توست

که روز هجر سیه باد و خان و مان فراق  
رنجه شو، بنگر که یار نازنین من کجاست  
خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر و می‌کنی  
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

وز زاری من چنگ سحر زار بنالد  
عبارتی ز لبش هرکه در بیان آرد  
روی گل بین که نشان گل رویی دارد  
در حجاب عدم نهان گردد

تیغ‌بازی‌هاست در ابر بهاران برق را  
کرده‌ام وقف سبوی می‌پرستان دوش را  
می‌خورد چون آب شیرین ریگ آب تلخ را  
راحت افزون است در کندن، قبای تنگ را

این کرامت نیست جز مجنون خرمن‌سوز را  
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود  
بیا به صحبت یاران بی ریا و نفاق  
عاشقی‌ها از دلم، دیوانگی‌ها از سرم

تا نگویم که مکن پرده‌داری  
زان چون خیال گشتم تا در دلم گذاری  
حیران و خود خود بمانی  
جای یادت را ز کف دادم، بین احوال چیست

بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر  
هزاران بوسه بر دستش همی‌داد  
ز بیمش گویی اندر چاه باشم  
مرا دیدار او کام است و امیید

طبیبا مرهم از وصلش بنه دیگر می‌آزارش  
اشارت‌های ابرو و نزاکت‌های گفتارش  
چو می‌بینم که جان با خاک یکسان شد به بازارش  
مسلم داری از دوران گردون ستم‌کارش

سیلاب غمت مرا ربودی  
مگر فسانه زلف دراز می‌گویی  
به پیشگاه حقیقت رسم ز راه مجاز  
کفر دو جهان همیشه ایمان من است



#### ۴۱ در همه ابیات زیر آرایه «ایهام» وجود دارد، به جز .....

- ۱) گر به بوی تو جان برافشانم
- ۲) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
- ۳) دی می‌شد و گفتم صنما! عهد به جای آر
- ۴) درد عاشق را دوایی بهتر از معشوق نیست

#### از این جا به بعد آرایه‌های لفظی

#### ۴۲ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه‌آرایی) به کار نرفته است؟

- ۱) تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند
- ۲) خورشید و گلت خوانم هم ترک ادب باشد
- ۳) میان ما و شما عهد در ازل رفته‌ست
- ۴) از روی دوست تا نکنی رو به آفتاب

#### ۴۳ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه‌آرایی) وجود ندارد؟

- ۱) راستی گرچه به بالای تو می‌ماند سرو
- ۲) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر
- ۳) دوستان را ز غم دوست امان بخشیدند
- ۴) می تلخ نباشد چو ز دست تو ستانند

#### ۴۴ در همه گزینه‌ها آرایه «واج‌آرایی» (نغمه حروف) برجسته است، به جز .....

- ۱) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
- ۲) با تو برآمیختنم آرزوست
- ۳) ای مست شب‌رو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟
- ۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

#### ۴۵ در همه گزینه‌ها آرایه «جناس» به کار رفته است، به جز .....

- ۱) اعتمادی نیست بر کار جهان
- ۲) یاد باد آن‌کاو به قصد خون ما
- ۳) دوستان در پرده می‌گویم سخن
- ۴) چون سرآمد دولت شب‌های وصل

#### و نمونه‌های ترکیبی، خواستو جمع‌تر کن!

#### ۴۶ آرایه‌های درج‌شده در همه گزینه‌ها در بیت زیر وجود دارند، به جز .....

- «نسیم باد صبا جان من فدای تو باد  
 (۱) تشبیه (۲) تشخیص  
 بیا گم‌خبر زان نگار خواهی داد»  
 (۳) واج‌آرایی (۴) جناس

#### ۴۷ در همه گزینه‌ها آرایه‌های «تشبیه و کنایه» دیده می‌شود، به جز .....

- ۱) عشق تو آتش است و دل بنده سوخته
- ۲) ز پا افتادگان را نگفتی دست می‌گیرم؟
- ۳) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
- ۴) چو پیک اجل دامن او گرفت

#### ۴۸ در کدام گزینه، همه آرایه‌های «تشبیه - تشخیص - مراعات‌نظیر» وجود دارد؟

- ۱) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
  - ۲) مکن قصد من مسکین که خوبان
  - ۳) گرچه لعل تو خموش است ولی چشم تو را
  - ۴) آتش خشم تو برد آید من خاک‌آلود
- مرد یزدان شو و فارغ‌گذر از اهرمان  
 چنین در خون مسکینان نکوشند  
 با دل خون‌شده ما سخنی نیست که نیست  
 بعد از این باد به گوش تو رساند خبرم

۴۹ در کدام بیت، همه آرایه‌های «واج آرایبی - تکرار - جناس - تضاد - تشخیص - تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) قلب من گردیده از اکسیر خرسندی طلا
- ۲) سنگ راه من نگردد سختی راه طلب
- ۳) من که چون گوهر ز آب خویش دریایی شدم
- ۴) می‌ریاید کوه را چون کاه «صائب» سیل عشق

۵۰ اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تشبیه - جناس - تشخیص - کنایه - تضاد» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- الف) ما چشم عقاب و دل شهباز نداریم
- ب) فتنه اهل نظر چون به پایش از پس دیگر
- ج) ما را به بهشت و دوزخ کاری نیست
- د) رخ است آن یا چمن یا باغ نسرین؟
- ه) دلم دور از رخت تا صبح دم دوش

- ۱) د - ه - ب - الف - ج      ۲) الف - ج - ب - ه - د      ۳) الف - ج - ه - د - ب      ۴) الف - ه - ج - ب - د

خب، چه طورایی تا اینجا؟! فکر رو آزاد کن که کم کم باید وارد قلمرو فکری بشیم! چن تا سؤال اول رو برای تمرین کردن آوردیم، اینجا توی معنی کردن بیتا و عبارتا باید حسابی دقت کنی و مفهوما رو همچین تر و تمیز و مهربون و مطمئن استخراج کنی! تمرین خوبیه دست به کار شو!

۵۱ با توجه به عبارت «پس، من دنیا را بدان چاه پُرافت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها را به شب و روز؛ و چهار مار را به

طبایع که عماد خلقت آدمی است.» اطلاعات کدام گزینه، به «قلمرو فکری» نویسنده نزدیک تر است؟

- ۱) نگرش خردگرا - توصیه به هشیاری
- ۲) نگرش بدبینانه - توصیه به توکل
- ۳) نگرش جبرگرا - توصیه به عبادت
- ۴) نگرش خردگرا - توصیه به خوش‌باشی

۵۲ در همه گزینه‌ها متن به طور آشکار مخاطب را به «خردگرایی» دعوت می‌کند، به جز .....

- ۱) خرد دارد ای پییر بسیاری نام
- ۲) بخندد بر او هرکسه دارد خرد
- ۳) تو چیزی میدان کز خرد برتر است
- ۴) خرد جوید آگنده راز جهان

- ۱) رساند خرد پادشاه را به کام
- ۲) کس او را ز گردن کشتان نشمرد
- ۳) خرد بر همه نیکویی‌ها سر است
- ۴) که چشم سر ما نبیند نهان

ای جان!! شادی‌گرایی! نکته سختی نداره. دیدیم حرف از شادی‌گراییه، گفتیم دو کلمه ما بگیریم، بلکه به کم شاد شی، غم و غصه کنکور یادت بره. علوم فنون - سختاش رو بذاری کنار - آسونه! تو حرف گوش بده، یاد می‌گیری. اخامات وا کن. این بیتا رو بین، بین چه خوش بودن این شاعرا واسه خودشون! روحشون شاد! البته به حرفاشون عمل نکنی! سعی کن به صورت معنوی شادی کنی! می‌فهمی که؟!

۵۳ همه گزینه‌ها براساس ویژگی فکری «شادی‌گرا» سروده شده است، به جز .....

- ۱) ساقی، تو بده باده و مطرب تو بزن رود
- ۲) بگسارم به صبوح اندر، زین سرخ شراب
- ۳) هرکه او غم می‌خورد در عشق او
- ۴) می‌خور ای سپید احرار، شب جشن سده

- ۱) تا می‌خورم امروز، که وقت طرب ماست
- ۲) که همش گونه گل بینم و هم بوی گلاب
- ۳) شادمان از خویشتن بر می‌خورد
- ۴) باده خوردن بلی از عادت احرار بود

۵۴ در کدام گزینه «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن» متفاوت است؟

- ۱) من از برای خور و خواب، تن نپروردم
- ۲) تا چند عمر در هوس و آرزو رود؟
- ۳) نیز چه خواهی دگر خوش بزی و خوش بخور
- ۴) مشو مقید ویرانه جهان چون سیل

- ۱) همیشه جان به کف و سر بر آستان دارم
- ۲) ای کاش این نفس که برآمد فرورود!
- ۳) انده فردا مبر گیتی خواب است و باد
- ۴) سبک دو پای تعلق ز گل برآر و برو

۵۵ از نظر «ویژگی‌های فکری» کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بفزای قامت خُرد و فکرت
- ۲) خُرد شاه را بهترین افسر است
- ۳) خُرد را نیست تاب نور آن روی
- ۴) خُرد کیمیای صلاح است و نعمت

۵۶ کدام گزینه از نظر «ویژگی‌های فکری» با سایرین یکسان نیست؟

- ۱) در مقامات ارچه عاشق را مددها کرد عقل
- ۲) عشق رایات سلطنت افراخت
- ۳) عقل و دین از کافری‌های تو خوار
- ۴) خانه دل عشق به تاراج داد

۵۷ همه مفاهیم داده‌شده از رباعی زیر دریافت می‌شود، به جز .....

- «عمری ز پی کام دل و راحت تن  
در داد نداد از بن دندان با من  
۱) دندان از را از کام جهان ریشه کن، کن.  
۳) آسایش بشری در گرو آسودگی دیگران است.

مفزای طسول پیره‌ن و په‌نا  
هش و دانشش نیک‌تر لشکر است  
برو از بهر او چشم دگر جوی  
خرد معدن خیر و عدل است و احسان

عقل را از عشق قدسی چون توان برتر نهاد؟!  
پس اقالیم عقل غارت ساخت  
عشق از سوداگری‌های تو خوار  
عقل از این واقعه بگریخته است

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۹)

گشتم و ندیدیم جز از رنج و محن  
راحت‌طلبی ز کام دندان بر کن  
۲) نتیجه تکاپوی دنیوی، اندوهی بیش نیست.  
۴) چشم پوشیدن از دنیای فانی، سبب آسایش است.

بعد از «زبانی» و «ادبی»، می‌رسیم به «استخراج نکات فکری» و «تعیین نوع». خوب بخون ببین چی می‌گن. چشمت رو از این روباهه بردار! غافل شی دررفته! تو می‌مونی و سه تا صورت سؤال خالی! مخصوصاً این‌که، به «دل»ش اصلاً کاری نداشته باش. ندیدی چی کار کرد تو شعر؟! یارو اومد سراغ دل و اینا، روباهم که حساس، تله و مله رو ریخت به هم، دررفت! نکن آقا جان، نکن! خواهر من، برادر من، نکن! با «دل» شوخی نکن!!

۵۸ کدام گزینه با بیت «به دل می‌گفت: با دل نیست بازی / کنون باید به کارم حيله‌سازی» تناسب معنایی دارد؟

- ۱) همی جویسد و وفا از خوب‌رویان
- ۲) بیای ای تازه گل‌برگ بهاری
- ۳) چنان از کرده خود شرمساریم
- ۴) بدین خردی که آمد حبه دل

دلیم را حسد نادانی ببینید  
بگو عزم کدامین باغ داری؟  
که روی عذرخواهی هم نداریم  
خداوند دو عالم راست منزل

۵۹ کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب مفهومی دارد؟

- «چو نام دل شنید از دور، روباه  
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی  
۱) بگفت از صبر کردن کس خجل نیست  
۲) دل ما گرچه اندر سینه ماست  
۳) دل مسکین مرا نیست در این جا قدری  
۴) شب نیست کز تو بر سر هر کو نفیر نیست

جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه  
کنون باید به کارم حيله‌سازی»  
بگفت این دل تواند کرد دل نیست  
ولیکن از جهان ما برون است  
زان که صد دل چو دل خسته من هست این‌جا  
و اندیشه تو در دل برنا و پیر نیست

۶۰ در همه گزینه‌ها به مفهوم بیت «حدیث دل، حدیثی بس شگفت است / که در عالم، حدیثش درگرفته است» اشاره شده است؛ به جز .....

- ۱) ساکن و هر لحظه سیار است دل
- ۲) چیست دل یک عالم بی رنگ و بوست
- ۳) اندکی اندر جهان دل نگر
- ۴) صورت شیری دل شیریت نیست

عالم احوال و افکار است دل  
عالم بی رنگ و بو بی چار سوست  
تا ز نور خود شوی روشن‌بصر  
گرچه دلت هست دلیریت نیست

و باز سؤال «قرابت معنایی»، از نمونه‌های نثر و شعر همین درس و خود ارزیابی‌هاش. می‌گه: زبون به کام بگیر و در بند این دنیای نامرد نالوطی نباش! عاقبت همه‌مون می‌میریم، ارزش خودت رو بدون، حرفاتو اول مزه‌مزه کن بعد به زبون بیار، صبر داشته باش، می‌گذره. مفهومی مهم و معروف و متنوعی داره خلاصه. بخون که میان! سؤالی کنکور و بین. می‌گیم قرابت میدان از علوم فنون، می‌گی نه!

#### ۶۱ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«قطره آبی که دارد در نظر، گوهر شدن  
 (۱) از مردم کم ظرف نیاید سفر بحر  
 (۲) شده است موج به بحر از شکستگی غالب  
 (۳) ز نقش، باد به دست است موج دریا را  
 (۴) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

#### ۶۲ ابیات زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«نهنگی بچه خود را چه خوش گفت  
 به موج آویز و از ساحل بپرییز  
 (۱) گر موج‌خیز حادثه سر بر فلک زند  
 (۲) موجیم که آسودگی ما عدم ماست  
 (۳) «صائب» از فردرژوان باش که چون موج سراب  
 (۴) تو سعی کن که به روشن‌دلان رسی «صائب»

#### ۶۳ کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید  
 (۱) از صبر تلخ چاره من می‌کند طیب  
 (۲) مکن ز بستگی کار شکوه چون خامان  
 (۳) گرچه رنجوری صبوری کن که در دار فنا  
 (۴) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری

#### ۶۴ همه ابیات، دارای «مضامین مشترک» اند؛ به جز .....

(۱) در طبع جهان اگر وفایی بودی  
 (۲) آن‌چه دیدی بر قرار خود نماند  
 (۳) گذر جوی و چندین جهان را مجوی  
 (۴) خاکساران جهان را به حقارت منگر

#### ۶۵ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

(۱) دل منه بر سیم و بر سیمین بران دهر از آنک  
 (۲) تن در این طاس نگون، مانند موری عاجز است  
 (۳) فکر کن بر خاک و مگذر هم‌چو باد ای بی‌خبر  
 (۴) صد هزاران سروران را سر در این ره گوی شد

#### ۶۶ کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

«پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت. چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدی بلیغ می‌نمایند.»  
 (۱) دانی که بر نگیمن سلیمان چه نقش بود؟  
 (۲) مبند دل به جهان کاین جهان پیشیز نیرزد  
 (۳) مشو دل‌بسته هستی که دوران  
 (۴) دلا! ذوقی ندارد دولت دنیا و شادی‌ها

از کنار ابر تا دریا تنزل بایش  
 پیداست حبابی چه نفس داشته باشد  
 شکسته باش چو خواهی تو را ظفر بخشند  
 صدف ز ساده‌دلی مخزن گهر باشد  
 نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

#### (اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۸)

به دین ما حرام آمد کرانه  
 همه دریاست ما را آشیانه  
 عارف به آب تر نکند رخت و پخت خویش  
 ما زنده از آئیم که آرام نگیریم  
 رو به دریای عدم می‌برد این قالب‌ها  
 که سیل واصل دریا چو شد زلال شود

#### (اختصاصی انسانی ۹۸)

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایش  
 بیچاره‌ام چه چاره ز بیچارگی مرا؟!  
 که صبر غنچه‌گره را گره‌گشا کرده است  
 هرچه آید بر سر فرزند آدم بگذرد  
 سرانجام همه کارت بود از صبر پابرجا

#### (اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۸)

نوبت به تو خود نیامدی از دگران  
 وین چه بینی هم نماند برقرار  
 گلش زهر دارد به خیره مجوی  
 تو چه دانی که در این گرد سواری باشد

#### (اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۳)

جمله زیر زمین پر لعبت سیمین بر است  
 دل در این دام بلا، مانند مرغی بی‌پر است  
 کاین همه خاک زمین خاک بتان دلبر است  
 در چنین راه، ای سلیم‌القلب، چه جای سر است؟

«پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت. چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدی بلیغ می‌نمایند.»

دل در جهان مبند که با کس وفا نکرد  
 به هیچ چیز نگیرش که هیچ چیز نیرزد  
 هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن  
 خوشا آن دردمندی‌های عشق و نامرادی‌ها

**۶۷** کدام گزینه با عبارت «آدمی، شریف‌ترِ خلائق است.» متناسب نیست؟

- ۱) جام‌گیتی‌نمای ماسانسان
- ۲) هرچه در کائنات می‌خوانند
- ۳) موج و بحر و حباب و قطره و جو
- ۴) این سرا، خانۀ خراب بود

**۶۸** کدام گزینه با بیت «هرکه می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر زبان، بندگرانی از تأمل بایش» متناسب معنایی دارد؟

- ۱) هست بر نقص بصیرت رغبت دنیا دلیل
- ۲) می‌فزاید دست‌گاه طاعت از درماندگی
- ۳) از سبک‌سنگی چو کف با موج بودم هم‌عنان
- ۴) نرم نتوانست کردن آن دل چون سنگ را

که گوهر روزی غواص از پاس نفس باشد  
که نامحکم بود بی‌اصل دیوار  
در حریم می‌پرستان نعره مستانه شو  
گفتار چو کردار و چو کردارش گفتار

**۶۹** مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) اگر گفتار خود سنجیده می‌خواهی تأمل کن
- ۲) نخست اندیشه کن آن‌گاه گفتار
- ۳) در حضور هوشیاران حرف را سنجیده گوی
- ۴) با سیرت پاکیزه و با رای شدید است

**۷۰** کدام گزینه مضمون بیت «هرکه زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش / خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش» را در خود دارد؟

- ۱) بر لوح دلم نقش خیال تو کشیدند
- ۲) صد سالم اگر رانی و یک روز بخوانی
- ۳) از دشمنی خلق جهان باک ندارد
- ۴) درد تو نه دردی که بود قابل درمان

**۷۱** کدام گزینه با بیت «هرکه زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش / خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش» متناسب است؟

- ۱) حسن را از چشم بد شرم و حیا دارد نگاه
- ۲) راز عشق پرده‌در از گفت‌وگو گل می‌کند
- ۳) از توکل می‌توان آمد سلامت بر کنار
- ۴) چون گسست از رشته سوزن زود خود را گم کند

در به‌در گشت اسیری که توکل نکند  
راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش  
منه بر کاهلی زنه‌ار بنیاد توکل را  
هرچند شد سفینه من کاغذین در آب

**۷۲** مفهوم کدام بیت با سایرین متناسب نیست؟

- ۱) دم به دم سوخت اسیری که شکبیا نبود
- ۲) تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری ست
- ۳) زمین سست، سیلاب عمارت می‌شود «صائب»
- ۴) دارم بیه بادبان توکل امیدها

دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایش»  
عشق را کیمیای جان بینی  
دل افسرده غیر از آب و گل نیست  
توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد  
پخته داند کاین سخن با خام نیست

**۷۳** کدام‌گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی دارد؟

- «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید»
- ۱) جان‌گدازی اگر به آتش عشق
  - ۲) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
  - ۳) بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل
  - ۴) تا نسوزد برنیاید بسوی عود

**۷۴** کدام‌گزینه با بیت «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید / دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایش» متناسب است؟

- ۱) خسرو نظر در آن رخ و وان‌گه حدیث صبر
  - ۲) گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان
  - ۳) کام دل حاصل نکردم از صبوری ورنه من
  - ۴) تحمّل‌گفتی و من هم که کردم سال‌ها اما
- اندازه تو نیست، زبان را به کام کن  
بلا بگردد و کام هزارساله برآید  
صبر کردم در غمش چندان که امکان شد مرا  
چه‌قدر آخر تحمّل بلکه یادت رفته پیمان

**۷۵** کدام گزینه با بیت «خُردهای از مال دنیا در بساط هرکه هست / جبههٔ وا کرده‌ای پیوسته چون گل بایدش» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
- ۲) چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن
- ۳) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است
- ۴) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع

**۷۶** مفهوم کدام گزینه با عبارت «گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.» یکسان است؟

- ۱) از کینه پاک کن دل افگار خویش را
- ۲) از سخت‌دل زبان نصیحت کشیده دار
- ۳) بگذار تا حدیث غمش روبه‌رو رود
- ۴) تا چشم شور خلق نسازد تو را کباب

**۷۷** کدام گزینه با حکایت زیر تناسب معنایی دارد؟

«بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!»

- ۱) کند پند ملایم در گران‌جانان اثر بهتر
- ۲) هیچ کس بی‌گوش‌مال تربیت آدم نشد
- ۳) فارغ‌تر از دل تو ندیدم دلی دگر
- ۴) از سبک‌باری گران‌جانان دنیا غافل‌اند

حالا تعیین نوع ادبی یعنی آخرین مرحله ...

**۷۸** «نوع ادبی» در کدام گزینه، با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) کنون نیزهٔ من به گوشت رسید
- ۲) تو را بر تگ رخس مهمان کنم
- ۳) یکی نیزه زد بر کمر بند او
- ۴) مگوی آن که گر بر ملا اوفتد

سرت را به خنجر بخواهم برید

سرت را به گویال درمان کنم

که بگسست بنیاد و پیوند او

و جودی از آن در بلا اوفتد

تو باری دمی چند فرصت شمار

من ندانم صبر کردن در تنور

که شاه از رعیت بود تاج‌دار

به قناعت بسدوز دیدهٔ از

**۷۹** کدام گزینه را نمی‌توان نمونهٔ شعر «تعلیمی یا اندرزی» دانست؟

- ۱) چو ما را به غفلت بشد روزگار
- ۲) آتشی کردی و گویی صبر کن
- ۳) برو پاس درویش محتاج دار
- ۴) بیش از این کار تو چو بسته نمود

و چنان سؤال هم از گوشه و کنار درسا برای حسن ختام!

**۸۰** در کدام گزینه به نام پدیدآورندهٔ «الهی‌نامه» اشاره شده است؟

- ۱) مولانا جلال‌الدین
- ۲) محتشم کاشانی

۴) سعدی شیرازی

۳) عطّار نیشابوری

**۸۱** عبارت زیر با واژگان کدام گزینه کامل می‌شود؟

«قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است؛ آن‌ها از چهار نوع حماسی، غنایی، ..... و تعلیمی، سخن گفته‌اند؛ این تقسیم‌بندی، بیشتر مبتنی بر ..... بود و جنبهٔ محتوایی داشت.»

۴) اخلاقی - نثر

۳) نمایشی - نثر

۲) نمایشی - شعر

۱) اخلاقی - شعر

# پانچ ماہی تشریحی

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۱) ستایش پروردگار به صفات حکمت و رحمت / خداوند راه کمال هر پدیده را به او نشان داده است.  
 ۲) ظهور قدرت الهی در قالب معجزات فراوان از سوی پیامبر اسلام (ص)  
 ۳) ستایش پروردگار به صفات کمال، جاودانگی، و بی‌نقص و کاستی بودن
- ۲ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲):** ناتوانی در شناخت خدا
- مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۱) عاشق همواره به یاد معشوق است. / برتری یاد معشوق بر همه چیز  
 ۳) لازمه رسیدن به خداوند، ترک تعلقات دنیا و آخرت است.  
 ۴) مقدر بودن روزی / توصیه به انجام عمل مورد رضایت خداوند
- ۲ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲):** غیر قابل وصف بودن خداوند
- مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۱) شورانگیزی توصیف و یاد ممدوح  
 ۳) وصف زیبایی معشوق  
 ۴) ستایش زیبایی معشوق / بالیدن شاعر به سخنوری خود
- ۲ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲):** ناشناختنی بودن معشوق
- مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۱) برتری زیبایی معشوق بر همه زیبایی‌ها  
 ۳) برتری زیبایی معشوق بر همه زیبایی‌ها  
 ۴) ارزشمندی دل / برتری عالم دل بر بهشت
- ۳ ۵ مفهوم بیت‌های گزینه (۳):** عجز انسان از توصیف خداوند
- مفهوم سایر بیت‌ها:**

- الف) هم‌دردی و ترحم بر عاشق رنج‌دیده  
 ب) بی‌خبری عاشقانه  
 ه) قطع نکردن روزی با وجود ارتکاب گناه

- ۱ ۶** در گزینه (۱) مصراع اول باید طوری خوانده شود که نشان بدهد با پایان‌یافتن آن، سخن شاعر هنوز تمام نشده، بلکه ادامه سخن، در مصراع دوم است. در سایر گزینه‌ها در پایان مصراع اول، درنگ کامل وجود دارد.

- ۲ ۷** در ابیات «ج»، «د» و «و»، بیت را باید طوری بخوانیم که نشان بدهد سخن شاعر در مصراع نخست تمام نشده و در مصراع دوم ادامه پیدا می‌کند. در سایر ابیات، مصراع‌ها به طور مستقل خوانده می‌شوند.

- ۳ ۸ لحن شاعر در گزینه (۳):** رضایت و خشنودی
- لحن مشترک در سایر گزینه‌ها:** اظهار شرمساری و امید بخشایش به درگاه خدا

- ۲ ۹** «یارست» در این گزینه صرف «فعل یارستن» است و در معنی «توانایی داشتن» به کار رفته، اما در سایر گزینه‌ها «یارست» ترکیبی است از دو واژه «یار» و «است».

**۲ ۱۰ بررسی سایر گزینه‌ها:**

- ۱) به کار رفتن واژه «گازران» (که گر صیاد بیند هم‌چنینم / دهد حالی به‌گازر پوستینم)  
 ۳) به کار رفتن فعل «یارستن (نیارم)» (چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت / نمی‌یارست روبه را کم انگاشت)

- ۴) به کار رفتن ترکیب «روبه حیل‌ساز» (به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندیشید در راه)

توضیح افاضات: این سوال تفتنی و فاقد هرگونه ارزش آزمون است و مشخص نیست طراح با آوردن آن در پی سنجیدن چه بخشی از دانش ادبی داوطلبان بوده!

- ۳ ۱۱** در این گزینه واژه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیرانسان به کار رفته است.  
**۱ ۱۲** فعل «گسستن» در عبارت سؤال و گزینه (۱) به معنای «پاره شدن، جدا شدن» است، اما در سایر گزینه‌ها «گسستن» در معنای «پاره کردن، جدا کردن» به کار رفته است.

- ۲ ۱۳** فعل «گسستن» در این گزینه در معنی «پاره و جدا شدن» به کار رفته و در سایر گزینه‌ها در معنی «پاره و جدا کردن».

**۱ ۱۴ مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۲) واژه کهن: شاخ / واژه امروزی: شاخه  
 ۳) واژه کهن: بنگریست / واژه امروزی: نگریست (کاربرد ادبی دارد).  
 ۴) واژه کهن: اشترسوار / واژه امروزی: شترسوار

- ۳ ۱۵** «را» در این گزینه نشانه مفعول است و در سایر گزینه‌ها در معنی حرف اضافه به کار رفته است.

- ۲ ۱۶** «را» در این گزینه در معنی حرف اضافه به کار رفته و در سایر گزینه‌ها نشانه مفعول است.

- ۳ ۱۷** «را» در این گزینه نشانه مفعول است و در عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها در معنی حرف اضافه به کار رفته است.

- ۱ ۱۸** پیشوند «همی» در عبارت سؤال، تنها در ساختمان فعل امر دیده می‌شود، و نه فعل مضارع اخباری.

- ۴ ۱۹** بررسی نوع نگرش، زیرمجموعه بررسی‌های فکری و شیوه‌های تعیین نوع ادبی است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

- ۱) کاربرد شبکه معنایی تناسب: آس - آسیا - پز / نای - چغانه  
 ۲) کاربرد تاریخی دستور و کوتاهی جمله‌ها:  
 آس شدم زیر آسیای زمانه / نیسته خواهم شدن همی به کرانه / زاد همی ساز / شغل خویش همی پز / چند پزی شغل نای و شغل چغانه  
 ۳) کمی واژگان غیرفارسی و وجود واژگان کهن: آس: سنگ آسیا / چغانه: نوعی ساز (تنها واژه‌های عربی این شعر «شغل» و «زاد» اند).

- ۳ ۲۰** خوانش درست عبارت: چه (زیرا)، کسی را یابد که به جایش بنویسد.

- ۲ ۲۱** روزه و حج: تناسب

- ۳ ۲۲** پدر و پسر: تناسب

- ۴ ۲۳** رنگ و احمر (قرمز): تضمّن

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- ۱) واژه «باد» در مصراع اول، فعل دعایی است.  
 ۲) واژه «گل» با تلفظ «گِل» و به معنی «خاک آمیخته با آب» است.  
 ۳) واژه «شکر»، با تلفظ «شُکر» و به معنی «سپاس» است.



**۲۴ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) وفا ≠ جفا

(۳) تلخ ≠ شیرین / شکر ≠ زهر (به تعبیری) / حلوا ≠ زهر (به تعبیری)

(۴) بنشست ≠ برخاست

**۲۵ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) دشمنان ≠ دوستان / پست ≠ والا

(۲) غم ≠ شادی

(۴) درد ≠ درمان

**۲۶** در این گزینه باید به تلفظ واژه «زهره» (جرأت) دقت کنیم.**۲۷** قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت، نشانه این است که قالب شعر می‌تواند «مثنوی» باشد، در سایر گزینه‌ها، دو مصراع، هم‌قافیه نیستند.**۲۸** در قالب مثنوی، مصراع‌ها دو به دو هم‌قافیه‌اند.**بررسی گزینه (۱):** ردیف: است / واژگان قافیه: سر، رهبر**بررسی سایر گزینه‌ها:**

در هر سه گزینه دیگر، مصراع‌های اول و دوم هم‌قافیه نیستند و با توجه به فضای عاشقانه آن‌ها، قالب اشعار، غزل است.

**۲۹ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تشبیه روح به طوطی / تشبیه کلام به قوت

(۲) تشبیه لب به لعل

(۴) تشبیه لب به یاقوت / تشبیه دندان به مروارید

**۳۰ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تشبیه روز بدون تو (معشوق) به شب / [این موضوع] به روز

(۲) تشبیه خورشید به روی تو / خورشید به بندگان

(۳) روی به مه / زلف به کمند

**۳۱ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) روی به مه / آستان به سجده‌گه

(۳) سیلاب سرشک (اضافه تشبیهی) / طوفان بلا (اضافه تشبیهی)

(۴) بالا قامت (معشوق به شاخ شمشاد، سرو سهی، نارون و صنوبر، و بلا (به تعبیری))

**۳۲** تشبیه زلف به کمند / ابرو به کمان / قامت به سرو / روی به بهار (۴ مورد)**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) آتش غم به آتش / تو به پروانه / تو به شمع (۳ مورد)

(۲) —

(۴) مس وجود (۱ مورد)

**۳۳** در گزینه (۳) نوگل استعاره از معشوق است.**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) کشته شدن فراق، نسبت دادن روز (بخت و اقبال) و خان و مان به آن و نیز نفرین در حق آن

(۲) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این که صبا بتواند یاری کند، ببیند، رنجه شود و بنگرد.

(۴) نسبت دادن رخ و نقاب به اندیشه / نسبت دادن زلف به سخن و شانه زدن آن

**۳۴ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) گریستن ساغر می و نالیدن چنگ

(۳) جان بخشی به گل و صبا (پرده افکندن باد صبا از رخسار گل)

(۴) شرمگین و پنهان شدن مه

**۲۵ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) جان بخشی به حسن و برق

(۲) جان بخشی به ردا

(۳) جان بخشی به عشق و ریگ

**۳۶ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) خوشه چینی کنایه از گدایی / خرمن سوز بودن کنایه از مال‌باخته و ناکام بودن

(۲) نقش کسی از لوح دل و جان رفتن کنایه از بی‌مهر شدن نسبت به او

(۴) بر باد رفتن کنایه از نابود شدن

**۳۷ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) دهان کسی را دوختن کنایه از او را وادار به سکوت کردن / پرده‌داری کنایه از رسوا کردن

(۲) دست شستن کنایه از ترک کردن و صرف نظر کردن / دست کسی را گرفتن کنایه

از یاری کردن / کسی را در دل گذاشتن کنایه از به او عشق ورزیدن

(۴) پا فشردن کنایه از اصرار کردن / چیزی را از دست کسی گرفتن کنایه از آن را

از مالکیت و اختیار او به درآوردن / دل از دست کسی گرفتن کنایه از او را عاشق

کردن / از کف دادن کنایه از درباختن

**۳۸ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) چین، ترک، روم، بربر / بنفشه، گل، سمن / زلف، رو، بر

(۲) دست، پا

(۴) ماه، خورشید / کام، امید

**۳۹** مراعات نظیر: زلف، چشم، ابرو [، گفتار] (دست کم ۳ مورد)**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) طیب و مرهم (۲ مورد)

(۳) عرضه کردن، بازار (۲ مورد)

(۴) ستم و ستم‌کار (۲ مورد)

**۴۰ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) به سر رسید ≠ به سر نرسید

(۳) حقیقت ≠ مجاز

(۴) ظلمت ≠ نور / کفر ≠ ایمان

**۴۱ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) بو: ۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو، امید

(۳) عهد: ۱- روزگار، دوران ۲- پیمان

(۴) شیرین: ۱- معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه

**۴۲ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تو، کسی، خیره (۲) خورشید، گل (۴) رو، به، آفتاب

**۴۳** در این گزینه دو واژه «زاد» جناس تام دارند؛ به ترتیب، به معنی

«توشه» و «به دنیا آمد»

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تکرار واژه «سرو» (۳) تکرار واژه «دوست» (۴) تکرار واژه «دست»، تو

۴۴ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تکرار صامت «س»

(۳) تکرار صامت‌های «س» و «ت» و مصوّت بلند «ی»

(۴) تکرار صامت «ش» و مصوّت کوتاه «ئ»

۴۵ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) گردون، گردان (۲) یاد، باد (۳) دوستان، دستان

۴۶ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) تشخیص: جان‌بخشی به باد صبا

(۳) واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ا»

(۴) جناس: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی) / باد، داد

۴۷ ۲ تشبیه: \_\_\_\_\_ / کنایه: ز پا افتادن کنایه از ناکام و ناکارآمد شدن /

دست گرفتن کنایه از یاری کردن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه: عشق به آتش / کنایه: سوختن دل و سوختن روان کنایه از رنج و آزار بسیار کشیدن در عشق

(۳) تشبیه: طوفان بلا (اضافه تشبیهی) / سیل غم (اضافه تشبیهی) / کنایه: دل دادن کنایه از عاشق شدن / خانه ز بنیاد بردن کنایه از کاملاً نابود کردن

(۴) تشبیه: پیک اجل (اضافه تشبیهی) / کنایه: دامن کسی را گرفتن در این جا کنایه از او را گرفتار کردن / گریبان جان دریدن کنایه از شیون و بی‌تابی تا حدّ مرگ

۴۸ ۴ تشبیه (اضافه تشبیهی): آتش خشم

تشخیص: این‌که باد بتواند خبری به گوش معشوق برساند.

مراعات‌نظیر: آب، باد، خاک و آتش (مجموعه عناصر چهارگانه)

۴۹ ۴ واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ا» (۷ بار) و صامت «ر» (۵ بار)

تکرار: واژه کوه / جناس: کوه، کاه / تضاد: کوه ≠ کاه / تشخیص: این که سیل عشق کوه را برباید، تشخیص است. / تشبیه: کوه به کاه / سیل عشق / صبر به کوه قاف

۵۰ ۱ تشبیه (بیت «د»): تشبیه رخ به چمن و باغِ نسرین / تشبیه قد به

حرف «الف» و سرو سیمین

جناس (بیت «ه»): دور، دوش / ماه، آه

تشخیص (بیت «ب»): نسبت دادن صفت «دوان» به اشک

کنایه (بیت «الف»): چشم عقاب نداشتن کنایه از تیزبین نبودن / دل شهباز نداشتن کنایه از جرأت نداشتن

تضاد (بیت «ج»): بهشت ≠ دوزخ / نیست ≠ است

۵۱ ۱ متن بیانگر «نگرش خردگرا»ی نویسنده و توصیه او به «هشیاری» است.

۵۲ ۲ در این گزینه، رفتار و عملکرد شخص مورد نظر، از سوی خردمندان

مورد سرزنش و تمسخر است، اما پیام بیت، دعوت به خردمندی نیست.

۵۳ ۳ در این گزینه به «غم‌گرایی» اشاره شده، اما در سایر گزینه‌ها، ویژگی

فکری «شادی‌گرا» مورد توجه است.

۵۴ ۳ منظور از «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن»

بررسی «قلمروی فکری» و مفاهیم است.

مفهوم گزینه (۳): دعوت به خوش‌باشی و کام‌جویی و غنیمت شمردن فرصت

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ترک تعلّقات و وابستگی‌های دنیوی

۵۵ ۳ ویژگی فکری گزینه (۳): ناتوانی خرد در شناسایی عشق و زیبایی

ویژگی فکری سایر گزینه‌ها:

ستایش خرد و خردورزی

۵۶ ۳ مفهوم گزینه (۳): غلبه مخاطب بر عقل و دین و عشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تقابل عشق و عقل

۵۷ ۳ برای درک مفهوم رباعی سؤال ناچاریم آن را بازگردانی کنیم، اما طراح

سؤال در رباعی خاقانی تغییراتی به‌وجود آورده که مصراع سوم را مبهم ساخته از این رو ابتدا شکل صحیح رباعی را می‌آوریم و سپس به بازگردانی آن می‌پردازیم:

«عمری ز بی کام دل و راحت تن / گشتیم و ندیدیم به‌جز رنج و محن

درد آمد و گفت از بن دندان با من / راحت‌طلبی، ز کام دندان برکن»

بازگردانی: عمری را صرف رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها و آسایش‌طلبی کردیم، اما چیزی جز رنج و سختی نصیبمان نشد. درد با همه وجود به من این را گفت که [اگر می‌خواهی از سختی‌ها نجات یابی] راحت‌طلبی را رها کن و طمع رسیدن به آن را از وجودت پاک‌ساز.

۵۸ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌وفایی زیبارویان

(۲) ستایش معشوق و طلب عنایت از او

(۳) خودآتهایی

۵۹ ۲ مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و گزینه (۲): ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌قراری عاشق و تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌قدری دل‌عاشق / فراوانی دل‌دادگان معشوق

(۴) دیرینگی و فراگیر بودن غم هجران / فراوانی دل‌دادگان معشوق

۶۰ ۴ مفهوم گزینه (۴): متناسب نبودن ظاهر با باطن

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ارزشمندی دل

۶۱ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): شکسته‌نفسی و تواضع، کلید

کامیابی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) هر کسی، مرد راه حقیقت و عشق نیست.

(۳) ستایش بی‌آلایشی باطن

(۴) در امان بودن عاشقان حقیقی

۶۲ ۲ مفهوم مشترک ابیات سؤال و گزینه (۲): توصیه به تلاش و تکاپو و نکوهش

سستی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) آرامش و بی‌تعلقی عارفان

(۳) ناپایداری دنیا

(۴) توصیه به وصال اهل دل / وصال موجب پالایش درون است.

۶۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): تقابل عشق و صبر

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

صبر، کلید کام‌یابی‌ست.

۶۴ ۴ مفهوم گزینه (۴): ستایش فروتنی / نکوهش ظاهرینی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری دنیا

۶۵ ۲ مفهوم گزینه (۲): گرفتاری و عجز انسان در جهان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری و بی‌اعتباری عمر و وجود انسان

۶۶ ۴ مفهوم گزینه (۴): خودآزاری عاشق / غم‌پرستی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش دل بستن به دنیا

۶۷ ۳ مفهوم گزینه (۳): تجلی همه پدیده‌ها در وجود انسان

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

انسان، اشرف مخلوقات است.

۶۸ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به سنجیدگی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل بصیرت با تعلقات دنیوی

(۲) درماندگی زمینه‌ساز تضرع و اظهار نیاز است.

(۴) جور و جفا و بی‌اعتنایی معشوق

۶۹ ۴ مفهوم گزینه (۴): تناسب گفتار با کردار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به سنجیده‌گویی

۷۰ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): ضرورت توکل و کافی بودن خداوند

برای بنده

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ازلی بودن عشق

(۲) لذت جفای معشوق

(۴) بی‌درمان بودن درد عشق

۷۱ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به توکل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) حیا موجب مصونیت است.

(۲) راز عشق پنهان‌کردنی نیست.

(۴) ضرورت حفظ کردن خود

۷۲ ۳ مفهوم گزینه (۳): نکوهش تنبلی و سوء استفاده از توکل

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به توکل

۷۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): تحمل رنج موجب رشد و کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عشق موجب ارزشمندی‌ست.

(۲) عشق، هویت‌دهنده و زندگی‌بخش است.

(۳) ظاهر، آینه باطن است.

۷۴ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): صبر، کلید کام‌یابی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌حاصل بودن صبر / تقابل عشق و صبر

(۴) گله از بی‌وفایی معشوق

۷۵ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): توصیه به خوش‌باشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) شورانگیز بودن عشق

(۳) شورانگیز بودن عشق

(۴) غم فراق / توصیه به تسلیم و رضا / تقدیرگرایی

۷۶ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): تغییرناپذیری سرشت موجودات

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش کینه‌توزی و دعوت به خوش‌قلبی و امیدواری

(۳) هر کسی محرم راز عشق نیست.

(۴) همدار نسبت به تنگ‌نظری دیگران و توصیه به شریک کردن دیگران در خوشی خود

۷۷ ۲ مفهوم مشترک حکایت سؤال و گزینه (۲): تربیت، وابسته به تنبیه است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نرمی و مدارا موجب تأثیر سخن است.

(۳) توصیف آسوده خیالی معشوق

(۴) پاک‌بازی و بی‌تعلقی

۷۸ ۴ نوع ادبی در گزینه (۴): تعلیمی

نوع ادبی در سایر گزینه‌ها:

حماسی

۷۹ ۲ اندرزهای مطرح‌شده در هر بیت:

(۱) پرهیز از غفلت و توصیه به غنیمت شمردن فرصت

(۳) درویش‌نوازی

(۴) ترک حرص و توصیه به قناعت

۸۰ ۳ الهی‌نامه: عطار نیشابوری

۸۱ ۲ قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته

است؛ آن‌ها از چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، سخن گفته‌اند؛ این

تقسیم‌بندی، بیشتر مبتنی بر شعر بود و جنبه محتوایی داشت.

۸۲ ۴ «عاطفه» اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.